



Investigating the effect of CEO's performance incentives on fraud in financial reporting

Vahid Mahmoodi¹, Ali Akbar Vahedi², Omid Reza Rasteghari^{3*}

1. Assistant Professor, Kar Institute of Higher Education, Qazvin, Iran
2. Assistant Professor, Kar Institute of Higher Education, Qazvin, Iran
3. M. A. Student of Accounting, Kar Institute of Higher Education, Qazvin, Iran

Abstract

The purpose of this study is to investigate the effect of CEO's performance incentives on financial reporting fraud among companies listed on the Tehran Stock Exchange. To achieve this goal, in the calculation of financial reporting fraud, Auditing Standard No. 40 entitled "Auditor's Liability for Fraud and Error in Financial Statements", which identified 19 cases of fraud, was used to measure Obtaining the CEO's performance incentives. Two ratios were used (the ratio of the CEO's shares to the total shares of the company and the ratio of the CEO's reward to the annual stock dividend). The statistical sample includes 82 companies during the period 2010 to 2019. The hypothesis test was performed according to logistic regression with respect to zero and one dependent variable with eviews software. The results showed that the incentive to pay incentives based on CEO performance (ratio of CEO reward to annual stock dividend) has no significant effect on financial reporting fraud, but the incentive to pay incentives based on CEO performance (ratio of CEO shares to total company shares) It has a significant and inverse effect on financial reporting fraud.

Keywords: CEO's performance incentives, Financial reporting, Fraud, Tehran Stock Exchange.

* Corresponding author: Omid Reza Rasteghari, omidrastegari22@gmail.com



بررسی تأثیر انگیزه‌های عملکردی مدیرعامل بر تقلب در گزارشگری مالی

استادیار، مؤسسه آموزش عالی کار، قزوین، ایران
استادیار، مؤسسه آموزش عالی کار، قزوین، ایران
دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی کار، قزوین، ایران

وحید محمودی
علی اکبر واحدی
امیدرضا رستگاری*

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر انگیزه‌های عملکردی مدیرعامل بر تقلب در گزارشگری مالی در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، در محاسبه تقلب در گزارشگری مالی از استاندارد حسابرسی شماره ۴۰ تحت عنوان مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب و اشتباه در صورت‌های مالی که ۱۹ مورد را برای تقلب شناسایی نموده است استفاده شد و به منظور اندازه‌گیری انگیزه‌های عملکردی مدیرعامل از دو نسبت (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت و نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) استفاده گردید. نمونه آماری شامل ۸۲ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. آزمون فرضیات با توجه به صفر و یکی بودن متغیر وابسته از رگرسیون لجستیک و با نرم‌افزار ایویوز اجرا گردید. نتایج پژوهش نشان داد که انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) تأثیر معناداری بر تقلب در گزارشگری مالی ندارد ولی انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت) تأثیر معنادار و معکوس بر تقلب در گزارشگری مالی دارد.

واژگان کلیدی: انگیزه‌های عملکردی مدیرعامل، گزارشگری مالی، تقلب، بورس اوراق بهادار تهران.

۱. مقدمه

فعالیتی فریبکارانه و بزهکارانه که با قصد و نیت منفعت مالی و سایر منفعت‌ها صورت می‌پذیرد را تقلب می‌نامند و همچنین می‌توان آن را عملی که با حقه‌بازی، حيله‌گری و رفتار غیر منصفانه به واسطه شخص متقلب و فریبکار صورت می‌گیرد، تعریف نمود. طبق استاندارد حسابرسی ایران شماره ۴۵۰ بند ۴، تقلب عبارت است از هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران یا اشخاص ثالث برای برخورداری از یک مزیت ناروا یا غیرقانونی. تقلب در گزارشگری مالی عبارت است از تحریف عمدی در نتایج صورت‌های مالی به منظور ارائه تصویر نادرست از واحد تجاری. انگیزه‌هایی همچون به حداقل رساندن بدهی مالیاتی، حفظ و یا افزایش قیمت بازار سهام، پاداش مبتنی بر سود، تأمین مالی به ارزان‌ترین قیمت ممکن از جمله مواردی هستند که به تقلب در گزارشگری مالی منجر می‌شوند (رضائی و همکاران، ۱۳۹۹).

یکی از ویژگی‌های بارز شرکت‌های سهامی، تفکیک مالکیت از مدیریت می‌باشد و از طرفی ویژگی‌های حسابداری تعهدی، به دلیل وجود داشتن معوقات و انگیزه‌های پاداش، برای مدیر عامل این امکان را مهیا می‌سازد تا به دستکاری نمودن صورت‌های مالی و تقلب در آنها پردازند. مطابق با فرضیه منطقی بودن رفتار افراد، تمامی افراد در جامعه در صدد افزایش ثروت و حداکثرسازی سود می‌باشند و مدیر عاملان نیز از این قضیه مستثنی نیستند و چون این افراد در شرکت‌ها دارای آزادی عمل هستند، لذا در جهت اخذ پاداش برای خود، خواهان آگاهی از چگونگی تأثیر عوامل مذکور از جمله، رویه‌ها و معوقات حسابداری بر روی ثروت خود هستند تا با بکارگیری آنها در جهت منافع خود، ثروت خود را تا حد ممکن، افزایش دهند. یکی از این عواملی که منجر به افزایش ثروت مدیران می‌گردد، پاداش است که پاداش را می‌توان جبران زحمات مدیران در سازمان در ازای وقت و نیرویی که در راستای نیل به اهداف سازمان صرف می‌کنند، تعریف نمود (چن و همکاران، ۲۰۲۰).

شرکت‌ها به واسطه مدیران ارشد اداره می‌گردند و از بین این مدیران ارشد، مدیران ارشد اجرایی، نقش اساسی در تصمیم‌گیری‌ها دارند و نقش رهبر این مدیران و کل گروه در شرکت بر عهده مدیرعامل شرکت می‌باشد که نقش بسزایی در تصمیم‌گیری‌ها و به تبع آن بر عملکرد شرکت دارد و به عنوان رکن اساسی در پیشبرد اهداف شرکت شناخته می‌شود. امروزه نسبت به دهه‌های قبل مسئولیت مدیرعاملان افزایش یافته است، امروزه با توجه به تعریف و مفهوم حاکمیت شرکتی و رشد و گسترش آن در بین شرکت‌ها، مدیرعاملان باید در فرآیندهای تصمیم‌گیری به ویژه تصمیم‌گیری‌های مالی شرکت کنند. در بین تعدادی از شرکت‌ها، تصمیم‌های مربوط به امور مالی توسط مدیرعامل اخذ می‌گردد ولی در تعدادی دیگر از شرکت‌ها تصمیم‌های مالی به واسطه مشورت همه‌ی مدیران ارشد اخذ می‌گردد (نسیم و همکاران، ۲۰۱۹). با عنایت به مسئله تئوری نمایندگی در شرکت‌ها، مدیران به عنوان نمایندگان سهامداران در شرکت‌ها شناخته می‌شوند و باید تصمیم‌هایی که اخذ می‌کنند در راستای افزایش ثروت سهامداران باشد. تمامی مدیران به تبع موقعیت و جایگاهی که در آن قرار گرفته‌اند، همانند یکدیگر رفتار نمی‌کنند، همچون تمامی انسان‌ها که در موقعیت‌های مشابه، رفتار و خصوصیت‌های اخلاقی متفاوتی را بروز می‌دهند و دارای ادراک و دانش متفاوتی هستند و این تفاوت‌ها نشأت گرفته از تفاوت در نگرش‌های آنان می‌باشد. به عبارتی دیگر، مدیران همچون یکی از ارکان مهم شرکت هستند که تأثیر زیادی بر عملکرد و ارزش دارند و به تبع آن تأثیر زیادی بر افزایش و یا کاهش ثروت سهامداران دارند (چن و همکاران، ۲۰۲۰).

هنگامی که مدیران شرکت دارای اختیارات و قدرت بی‌انتها و نامحدود باشند، این امکان وجود دارد که تصمیم‌هایی مرتبط با سرمایه‌گذاری و موارد مرتبط با پاداش، تشویق و تنبیه را به صورت شخصاً اتخاذ نمایند و این موضوع علاوه بر نشان دادن قدرت مدیرعامل، نشانه ضعف در سیستم حاکمیت شرکتی آن شرکت می‌باشد زیرا مطابق با ساختار حاکمیت شرکتی، هر مسئولیت در شرکت باید به فرد دارای صلاحیت سپرده شده و همه تصمیم‌های مهم مانند سرمایه‌گذاری باید به واسطه افراد ذی‌نفع و ذی‌صلاح و با مشورت و رأی‌گیری صورت پذیرد و از طرفی، سیستم ضعیف حاکمیت شرکتی منجر به رخ دادن تخلف‌هایی در شرکت‌های بزرگ و معتبر دنیا شده که در نهایت به تقلب در گزارشگری مالی منجر گشته است. با افزایش اختیارات مدیرعاملان، امکان دارد آنها به رفتار فرصت‌طلبانه دست بزنند و تصمیم‌هایی را بگیرند که به نفع خودشان است و به نفع سایر ذی‌نفعان و سهامداران نیست و امکان دارد تصمیم‌هایی را بگیرند که سبب شود شهرت و اعتبار شرکت را در طی دوره مدیریت خود ارتقا دهند و در بورس باقی بمانند (حجازی و مختاری‌نژاد، ۱۳۹۶).

در سال‌های زیادی از گذشته تا امروزه، پرداخت پاداش به کارکنان و مدیران شرکت بر مبنای عملکرد آنها و بازده شرکت، متداول است. نظریه پردازان و تحلیل‌گران مالی باور دارند که کارایی کارکنان و افزایش بهره‌وری آنها از طریق پرداخت پاداش به مدیران و کارکنان افزایش می‌یابد و اگر این موضوع صحت نداشت، هرگز این پرداختی‌ها در شرکت‌ها صورت نمی‌گرفت (نسیم و همکاران، ۲۰۱۹). کارکنان و مدیران در هنگام دریافت پاداش‌های مادی، عکس‌العمل‌های مختلفی دارند که این عکس‌العمل‌ها به رفتار آنها بستگی دارد ولی بیشتر نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که هنگامی که شرکت سودده باشد و تولید افزایش پیدا کند، اگر به مدیران و کارکنان پاداش پرداخت شود، آنها بیش از قبل نسبت به کار ترغیب می‌شوند و وظایف خود را به صورت بهتر و دقیق‌تری انجام می‌دهند. زمانی که پرداخت پاداش بر اساس سوددهی شرکت و تولید بیشتر باشد، لذا مدیرعاملان ترغیب می‌گردند با دستکاری نمودن گزارش‌های مالی و همچنین مدیریت سود، سود شرکت را بیش از سود واقعی نشان دهند، لذا تقلب در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد (چن و همکاران، ۲۰۲۰). به بیانی دیگر بین انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل با تقلب در گزارشگری مالی ارتباط مستقیم پیش‌بینی می‌شود و لذا در این پژوهش قصد داریم به این سؤال پاسخ دهیم که آیا انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) تأثیر معناداری بر تقلب در گزارشگری مالی دارد؟

اگر مدیرعامل شرکت، سهامدار شرکت نیز باشد، قادر است بر سایر سهامداران و اعضای هیأت مدیره کنترل و تسلط داشته باشد. علاوه بر این ریسک بازار خارجی نیز مانع روند نظارت هیأت مدیره بر عملکرد مدیرعامل می‌شود؛ بنابراین مدیرعاملان با مالکیت بیشتر، می‌توانند مانع نظارت داخلی و خارجی و در نتیجه افزایش قدرت مدیرعامل شوند. در شرکت‌هایی که ضعیف هستند، هنگامی که مالکیت مدیر کاهش پیدا می‌کند، ممکن است گردش مدیرعامل افزایش پیدا کند، بنابراین می‌توان عنوان کرد که مالکیت مدیرعامل موجب ثابت شدن جایگاه مدیرعامل می‌گردد. علاوه بر این به دلیل تمایلات مدیرانی که دارای تعداد بالایی سهام شرکت هستند، به دلیل دستیابی به سود بیشتر و حداکثر کردن منافع خویش در سال مالی بعد و همچنین افزایش شهرت و اعتبار شرکت در آینده، ممکن است مدیرعاملان به تقلب در گزارشگری مالی دست زنند (چن و همکاران، ۲۰۲۰)؛ به بیانی دیگر، بین انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل و تقلب در گزارشگری مالی ارتباط مستقیم پیش‌بینی می‌شود و لذا در این پژوهش قصد داریم به این سؤال پاسخ

دهیم که آیا انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت) تأثیر معناداری بر تقلب در گزارشگری مالی دارد؟

با توجه به اهمیت جایگاه و نقش مدیرعامل برای شرکت‌ها و همچنین با توجه به اهمیت کیفیت گزارشگری مالی برای سرمایه‌گذاران، سهامداران و افراد ذینفع، و همچنین با عنایت به این موضوع که در پس از حسابرسی شرکت‌ها توسط حسابرسان خبره، گاهاً مواردی تقلب در گزارش‌ها و صورت‌های مالی یافت می‌شود و چون پژوهشی در داخل کشور، تأثیر انگیزه‌های عملکرد مدیرعامل بر تقلب در گزارشگری مالی را بررسی نکرده است و همچنین با عنایت به اینکه پژوهش‌های خارجی نیز به نتایج مشابهی دست نیافته‌اند و با توجه به ناشناخته بودن این موضوع در بازارهای ایران، لذا پژوهش حاضر به بررسی تأثیر انگیزه‌های عملکرد مدیرعامل بر تقلب در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ می‌پردازد. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند به عنوان شاخص‌های ارزش آفرینی به مدیران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، مصرف‌کنندگان و سایر استفاده‌کنندگان در اخذ تصمیمات مناسب یاری رساند و همچنین تحلیل‌گران مالی می‌توانند از نتایج پژوهش برای سرمایه‌گذاری و تشریح و تحلیل وضعیت مالی شرکت‌ها استفاده نمایند و همچنین نتایج پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز بستر مناسبی برای انجام پژوهش‌های آتی باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱.۲. تقلب در گزارشگری مالی

تقلب در گزارشگری مالی عبارت است از فریبکاری در انجام کار همچون دستکاری نمودن و تغییر دادن اسناد حسابداری، سندسازی کردن، ارائه غلط و یا حذف به عمد رویدادها و استفاده نادرست از استانداردهای حسابداری (وکیلی فرد و همکاران، ۱۳۸۸). مطابق با بندهای ۲ و ۳ استاندارد حسابرسی ۲۴۰، تقلب در گزارشگری مالی باعث بروز تحریف‌های عمدی همانند حذف مبالغ یا موارد افشا در صورت‌های مالی در راستای فریب‌ذی‌نفعان صورت‌های مالی، حذف عمدی یا ارائه نادرست معاملات یا اطلاعات عمده در گزارشات، استفاده نادرست و غیرصحیح استانداردهای حسابداری، نحوه ارائه نادرست می‌گردد (حجازی و مختاری‌نژاد، ۱۳۹۶).

اساس انجام هر کاری و به ویژه کار موفق داشتن انگیزه است. انگیزه که امری درونی است، نه تنها برای آغاز کار بلکه برای استمرار کار هم بسیار اهمیت دارد. انگیزه یا در آغاز کار وجود دارد و یا در طول کار به وجود می‌آید و تقویت می‌شود. انگیزه در آغاز کار زمانی است که فرد با شناخت استعدادها و علائق خویش محیطی را که از آن شناخت حاصل کرده است را انتخاب می‌کند و با شوق و علاقه به کار مشغول می‌شود. گاهی اوقات انگیزه از محیط بیرونی ناشی می‌شود. به این معنا که فرد محیطی را می‌بیند که سخت‌نیازمند به انجام کاری است و انگیزه پیدا می‌کند تا آن کار را انجام دهد. البته روحیه اولیه فرد و تربیت خانوادگی هم مؤثر است. بدیهی است باید در طول کار هم، محیطی که کار در آن انجام می‌شود به گونه‌ای باشد که فرد علاقمند را دچار سرخوردگی نکند. مدیران برای افزایش عملکرد و برای تشویق شدن به انجام هر چه بهتر فعالیت‌ها در شرکت نیازمند مشوق‌هایی هستند که آنها را نسبت به پیشرفت و جلو هدایت سازد. برای مدیران مشوق‌های زیادی می‌توان در شرکت در نظر گرفت که یکی از عام‌ترین، در دسترس‌ترین و مهم‌ترین آنها پرداخت

پاداش به آنها می‌باشد. با توجه به اهمیتی که پاداش و مزایا برای مدیران ارشد دارد، از آن به عنوان مشوقی برای افزایش انگیزه آنان در افزایش عملکرد استفاده می‌شود. همچنین؛ مدیرانی که ریسک‌گریز باشند، تنوع را در نظر نمی‌گیرند و برای این دسته از مدیران باید از جانب سهامداران و هیأت مدیره، مشوق‌هایی در نظر گرفته شود تا در آنها انگیزه‌ای برای افزایش عملکرد به وجود آید؛ ولی در مقابل، این تصمیم‌گیری‌ها ممکن است به نفع سرمایه‌گذاران نباشد، زیرا تشویق نمودن مدیران با پاداش و مزایا منجر به ریسک‌پذیری آنها برای ارتقای عملکرد شرکت می‌گردد و شرکت را در معرض ریسک بالایی قرار می‌دهد و به همین دلیل منجر می‌شود تصمیم‌های غیربهبه‌ای را برای سرمایه‌گذاران اخذ نمایند. اکثر پژوهش‌هایی که در ارتباط با پاداش تشویقی مدیران ارشد اجرایی انجام شده‌اند بر پایه نظریه نمایندگی می‌باشند که هدف آن به حداکثر رساندن ثروت سهامداران می‌باشد.

از طرفی دیگر، یکی دیگر از مشوق‌های مدیران داشتن سهام شرکت می‌باشد. برای تشویق مدیران به عملکرد بهتر و ارتقای ارزش شرکت و انجام درست و بهتر فعالیت‌ها، می‌توان درصدی از سهام شرکت را به مدیران تخصیص داد، که در این صورت آنها علاوه بر اینکه مدیر شرکت می‌باشند و عملکرد شرکت نشان‌دهنده توان مدیریتی آنها می‌باشد، مالک شرکت و سهامدار نیز محسوب می‌گردند و لذا سعی در اخذ تصمیم‌هایی می‌ورزند که منجر به افزایش ثروت سهامداران گردد. همچنین ممکن است مدیرعاملان شخصاً مقداری از سهام شرکت را به خود تخصیص دهند که در این صورت هم در پی افزایش ثروت سهامداران گام بر می‌دارند و سعی می‌کنند تصمیم‌هایی اخذ گردد و سرمایه‌گذاری‌هایی صورت پذیرد که به نفع سرمایه‌گذاران بوده و همین امر مشوقی برای آنان محسوب می‌گردد که عملکرد بالایی در شرکت داشته باشند (چن و همکاران، ۲۰۲۰).

با توجه به اهمیت این دو مشوق مدیرعاملان (پاداش مدیرعامل و سهام مدیرعامل در شرکت) در زیر به تشریح این دو مورد می‌پردازیم:

طبق ماده ۱۳۴ لایحه‌ی پاداش به اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل، بیان شده که مجمع شرکت این امکان را دارد که به تناسب ساعت‌هایی که اعضای غیرموظف هیأت مدیره و مدیرعامل در جلسه قرار دارند، مبلغی بابت حضور در جلسه به آنان پرداخت نماید. این مبلغ به تناسب تعداد جلسات و میزان ساعت‌هایی که جلسه تشکیل می‌گردد، مشخص می‌شود. همچنین اگر اساسنامه مقداری برای پاداش به اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل را در طی سال تخصیص داده باشد، سالانه به آنها پرداخت می‌شود. برای سمت مدیریتی اعضای هیأت مدیره این امکان وجود ندارد که به جز حقوق و پاداش تعیین شده، مبلغ بیشتری دریافت نمایند (رهنمای رودپشتی، ۱۳۹۰). بر مبنای ماده ۱۳۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، در صورتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد، مجمع عمومی می‌تواند مطابق با ماده ۲۴۱ همین قانون، نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت را به عنوان پاداش به اعضای هیأت مدیره تخصیص دهد؛ با این شرط که میزان پاداش در نظر گرفته شده برای مدیران نباید در شرکت‌های سهامی عام از ۵ درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود و در شرکت‌های سهامی خاص از ۱۰ درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود، تجاوز کند. همچنین، اعضای غیرموظف هیأت مدیره حق ندارند به جز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است، در قبال سمت مدیریت خود به طور مستمر یا غیرمستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

در شرکت‌هایی که تعدادی از سهامداران آن مدیران می‌باشند، به موجب ساختار مالکیت به خصوص این شرکت‌ها، منافع مدیران از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. در آخر به سبب این موضوع که دیگر سهامداران به اطلاعات شرکت کمتر دست پیدا می‌کنند، از سمت آنان همیشه این ترس وجود دارد که در مدت زمان طولانی منافعشان به خطر بیفتد. در این تیپ شرکت‌ها خطر تضاد منافع بالا می‌رود که سهامدارانی که عضو هیئت مدیره نیز می‌باشند به سود منافع خود عمل نمایند و منافع سایرین را در نظر نگیرند که این کار مخارج نظارت حسابرسی را بالا می‌برد (بن علی و لسیج، ۲۰۱۲). زمانی که تعداد زیادی از سهام شرکت نزد مدیرعامل شرکت باشد، وی قادر است بر تمامی اعضای هیأت مدیره نظارت و کنترل داشته باشد. همچنین ریسک بازار نیز از نظارت هیأت مدیره بر عملکرد مدیرعامل ممانعت به عمل می‌آورد لذا مدیرانی که مالکیت بالایی داشته باشند این توانایی را دارند که از نظارت داخلی و خارجی ممانعت به عمل آورند و قدرت مدیران ارتقا می‌یابد. شرکت‌هایی که دارای ضعف هستند، زمانی که مالکیت مدیران کم می‌شود امکان دارد این امر منجر به گردش و جابجایی مدیرعامل بیانجامد، به همین دلیل می‌توان بیان داشت که مالکیت مدیرعاملان منجر به به تثبیت رسیدن جایگاه آنان در شرکت می‌شود. علاوه بر این موارد، تأثیر معکوس بین عملکرد شرکت و گردش مدیرعاملان در مواقعی که مدیرعامل یکی از سهامداران شرکت می‌باشد، کمتر می‌شود و احتمال جابه‌جایی مدیران و جایگزین شدن مدیرانی که قدرت بالایی دارند کم می‌شود (چنگک و همکاران، ۲۰۱۷).

۲.۲. ارتباط بین نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام با تقلب در گزارشگری مالی

پرداخت پاداش به مدیران و کارکنان مبتنی بر بازده و عملکرد شرکت بوده و سالیان زیادی است که بین شرکت‌ها متداول است. بیشتر اقتصاددانان بر این باورند که پرداخت پاداش به کارکنان و مدیران منجر به افزایش کارایی آنان و ارتقای بهره‌وری می‌گردد و اگر غیر از این بود هرگز چنین پرداخت‌هایی به آنان صورت نمی‌گرفت (نسیم و همکاران، ۲۰۱۹). عکس‌العمل کارکنان در مواجهه با دریافت پاداش‌های مادی، بستگی به رفتار آنها دارد ولی اکثر نظریه‌ها بر این باورند که پرداخت پاداش به کارکنان بر اساس تولید و سودده بودن شرکت، آنان را به تلاش و کار بیشتر ترغیب می‌کند. زمانی که پرداخت پاداش بر اساس سوددهی شرکت و تولید بیشتر باشد، لذا مدیرعاملان ترغیب می‌گردند با دستکاری نمودن گزارش‌های مالی و همچنین مدیریت سود، سود شرکت را بیش از سود واقعی نشان دهند، لذا تقلب در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد؛ در حالیکه اگر پاداش‌های دریافتی مدیران زیاد باشد آنها تشویق شده و در شرکت احساس امنیت پیدا کرده و لذا سعی بر این دارند تا شرکت را به سوددهی رسانده و ارزش و عملکرد شرکت را کاهش دهند، لذا برای رسیدن به این امر، تقلب در گزارشگری مالی کاهش پیدا می‌کند (چن و همکاران، ۲۰۲۰)؛ به عبارتی ارتباط بین انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل با تقلب در گزارشگری مالی پیش‌بینی می‌شود.

۳.۲. ارتباط بین نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت با تقلب در گزارشگری مالی

هنگامی که مدیرعامل تعداد بالایی از سهام شرکت را داشته باشد، این توانایی را دارد که بر سایر اعضای هیأت مدیره کنترل داشته باشد. علاوه بر این، ریسک بازار خارجی نیز مانع روند نظارت هیأت مدیره بر عملکرد مدیرعامل می‌شود؛ بنابراین مدیران با مالکیت بیشتر، می‌توانند مانع نظارت داخلی و خارجی و در نتیجه افزایش قدرت مدیرعامل شوند. در

شرکت‌هایی که ضعیف هستند، هنگامی که مالکیت مدیر کاهش پیدا می‌کند، ممکن است گردش مدیرعامل افزایش پیدا کند، بنابراین می‌توان عنوان کرد که مالکیت مدیرعامل موجب ثابت شدن جایگاه مدیرعامل می‌گردد. علاوه بر این به دلیل تمایلات مدیرانی که دارای تعداد بالایی سهام شرکت هستند، به دلیل دستیابی به سود بیشتر و حداکثر کردن منافع خویش در سال مالی بعد و همچنین افزایش شهرت و اعتبار شرکت در آینده، ممکن است مدیرعاملان به تقلب در گزارشگری مالی دست زنند؛ در حالیکه اگر مدیرعاملان سهام بالایی از شرکت را داشته باشند، جایگاه آنها در شرکت تثبیت شده، لذا نظارت بیشتری بر عملکرد مدیران و اعضای هیأت مدیره دارند و به همین دلیل تقلب در گزارشگری مالی کاهش می‌یابد (چن و همکاران، ۲۰۲۰)؛ به عبارتی ارتباط بین انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل با تقلب در گزارشگری مالی پیش‌بینی می‌شود.

۴,۲. پیشینه پژوهش

چن و همکاران (۲۰۲۰) به پژوهشی تحت عنوان «تقلب در گزارشگری مالی و انگیزه عملکرد مدیرعامل» پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که بین انگیزه‌های عملکرد مدیرعامل و تقلب در گزارشگری مالی ارتباط مستقیم وجود دارد و انگیزه‌های مدیرعامل منجر به تقلب در گزارشگری مالی و بی‌نظمی‌هایی در گزارشات آینده به وجود می‌آورد.

لوو و همکاران (۲۰۲۰) به پژوهشی تحت عنوان «تأثیر جنسیت مدیر مالی بر تقلب در شرکت‌ها: شواهدی از چین» پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که مدیران مالی زن نسبت به مدیران مالی مرد از ریسک‌پذیری و اخلاقیات بیشتری برخوردارند و همچنین ارتباط بین مدیران مالی زن با تقلب در شرکت‌ها معکوس است و این ارتباط هنگامی که مدیران مالی زن از تحصیلات بالاتر و فرصت شغلی بهتری برخوردارند، بارزتر است.

سویایر و همکاران (۲۰۲۰) به پژوهشی تحت عنوان «مشخصات هیأت مدیره و احتمال تقلب در صورت‌های مالی» پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که استقلال هیأت مدیره، تخصص هیأت مدیره و تلاش هیأت مدیره تأثیر معکوس و قابل توجهی بر تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌ها دارد و نظارت هیأت مدیره می‌تواند تقلب در گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد.

حاجی‌زاده کهنموئی و علی‌نژاد ساروکلانی (۱۳۹۹) به پژوهشی تحت عنوان «تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر ضعف‌های کنترل داخلی و تقلب در صورت‌های مالی بر اساس معیار انگیزه متقلبانه مدیریت» پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که ارتباط مستقیم بین ضعف کنترل‌های داخلی و تقلب در صورت‌های مالی وجود دارد و ارتباط معکوسی بین ویژگی‌های استقلال و تخصص مالی هیأت مدیره وجود دارد.

حجازی و همکاران (۱۳۹۶) نیز به پژوهشی تحت عنوان «رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه» پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که بین تخصص اعضای هیأت مدیره، اثربخشی کمیته حسابرسی و اثربخشی استقلال هیأت مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ارتباط معکوس وجود دارد و همچنین بین اهرم مالی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ارتباط معناداری وجود دارد؛ در حالیکه بین اندازه شرکت و اندازه هیأت مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ارتباط معناداری وجود ندارد.

۳. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌های ارائه شده در قبل، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه ۱) انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) تأثیر معناداری بر تقلب در گزارشگری مالی دارد.

فرضیه ۲) انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت) تأثیر معناداری بر تقلب در گزارشگری مالی دارد.

۴. روش پژوهش

۱) روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی: این پژوهش از این رو که در پی کاوش رابطه معنی‌داری بین متغیرهای پژوهش می‌باشد و همین‌طور به دلیل اینکه به مطالعه حدود تغییرات متغیر وابسته، با توجه به حدود تغییرات متغیرهای مستقل می‌پردازد، در زمره پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قرار می‌گیرد. بنابراین روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی، یک پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد که برای کشف همبستگی بین متغیرها به روش پس‌رویدادی عمل می‌کند.

۲) روش پژوهش از نظر هدف: پژوهش حاضر از لحاظ نوع کار تحقیقاتی و از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی می‌باشد که از اطلاعات واقعی و روش‌های مختلف آماری برای رد یا عدم رد فرضیه استفاده می‌گردد، و در حوزه نظریه‌های اثباتی قرار می‌گیرد.

۳) روش پژوهش از نظر روش انجام پژوهش: انجام این پژوهش در چارچوب استدلال‌ات قیاسی-استقرایی می‌باشد، بدین معنی که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه مطالعات کتابخانه‌ای، مقالات و سایت‌های معتبر در قالب قیاسی و گردآوری اطلاعات برای تأیید یا رد فرضیه در قالب استقرایی می‌باشد.

۴.۱. ابزار گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات مربوط به داده‌های پژوهش به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و آرشیوی می‌باشد و برای جمع‌آوری اطلاعات در این راستا از سایت رسمی سامانه اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده می‌شود.

۴.۲. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. نمونه آماری نیز به صورت حذفی سیستماتیک (غربالگری) انتخاب می‌شود. شرایط برای حذف شرکت‌ها به صورت ذیل می‌باشد:

۱. پذیرش شرکت قبل از سال ۱۳۸۹
۲. پایان سال مالی اسفند ماه
۳. عدم تغییر سال مالی

۴. وجود صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی

۵. عدم وقفه معاملات بیش از ۶ ماه

۶. عدم پذیرش شرکت‌های مالی (بانک‌ها و مؤسسات مالی)، بیمه‌ای، سرمایه‌گذاری و لیزینگ

با توجه به شرایط فوق، ۸۲ شرکت در ۱۰ سال مالی بررسی می‌شوند (۸۲۰ سال-شرکت).

۳,۴. مدل‌های پژوهش

برای بررسی تأثیر انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) بر تقلب در گزارشگری مالی از مدل رگرسیونی (۱) استفاده می‌شود، در این مدل تقلب در گزارشگری مالی متغیر وابسته و انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) متغیر مستقل می‌باشد و سایر متغیرها اعم از وجه نقد، سود هر سهم، اهرم مالی، بازده کل دارایی‌ها، ارزش بازار، رشد فروش، ارزش دفتری به ارزش بازار، سن شرکت و دوره تصدی مدیرعامل متغیرهای کنترلی می‌باشند.

(۱)

$$\text{Fraud}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{CEOrp}_{it-1} + \beta_2 \text{FreeCash}_{it-1} + \beta_3 \text{Leverage}_{it-1} + \beta_4 \text{MarketValue}_{it-1} \\ + \beta_5 \text{BookMarket}_{it-1} + \beta_6 \text{EPS}_{it-1} + \beta_7 \text{ROA}_{it-1} + \beta_8 \text{SaleGrowth}_{it-1} \\ + \beta_9 \text{Age}_{it-1} + \beta_{10} \text{CEOTenure}_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

برای بررسی تأثیر انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) بر تقلب در گزارشگری مالی از مدل رگرسیونی (۲) استفاده می‌شود، در این مدل تقلب در گزارشگری مالی متغیر وابسته و انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) متغیر مستقل می‌باشد و سایر متغیرها اعم از وجه نقد، سود هر سهم، اهرم مالی، بازده کل دارایی‌ها، ارزش بازار، رشد فروش، ارزش دفتری به ارزش بازار، سن شرکت و دوره تصدی مدیرعامل متغیرهای کنترلی می‌باشند.

(۲)

$$\text{Fraud}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{CEOown}_{it-1} + \beta_2 \text{FreeCash}_{it-1} + \beta_3 \text{Leverage}_{it-1} \\ + \beta_4 \text{MarketValue}_{it-1} + \beta_5 \text{BookMarket}_{it-1} + \beta_6 \text{EPS}_{it-1} + \beta_7 \text{ROA}_{it-1} \\ + \beta_8 \text{SaleGrowth}_{it-1} + \beta_9 \text{Age}_{it-1} + \beta_{10} \text{CEOTenure}_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

۴,۴. تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

جدول ۱. تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

ردیف	نام متغیر	نماد متغیر	نوع متغیر	نحوه محاسبه متغیر
۱	تقلب در گزارشگری مالی	Fraud	وابسته	برای اندازه‌گیری تقلب در گزارشگری مالی به پیروی از رضائی پسته نوئی و صفری گرایلی (۱۳۹۷) و استاندارد حسابرسی شماره ۴۰ تحت عنوان «مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب و اشتباه

ردیف	نام متغیر	نماد متغیر	نوع متغیر	نحوه محاسبه متغیر
				<p>در صورت‌های مالی» از علائم نشان دهنده احتمال وجود تحریف‌های ناشی از تقلب در صورت‌های مالی به شرح زیر استفاده می‌شود:</p> <p>(۱) بیش نمایی موجودی کالا، (۲) بیش نمایی حساب‌ها و اسناد دریافتی</p> <p>(۳) بیش نمایی دارایی‌های ثابت، (۴) بیش نمایی سرمایه‌گذاری‌ها، (۵) کسری ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، (۶) کسری استهلاک، (۷) بیش نمایی درآمدها، (۸) بیش نمایی سود، (۹) بیش نمایی سود انباشته، (۱۰) کم نمایی حساب‌ها و اسناد پرداختی، (۱۱) کسری ذخیره مالیات، (۱۲) بدهی احتمالی، (۱۳) کسری ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان، (۱۴) کم نمایی هزینه‌ها، (۱۵) حساب‌ها و اسناد پرداختی که مدت زیادی از سررسید آنها گذشته است، (۱۶) موجودی راکد، (۱۷) دارایی راکد، (۱۸) مشکلات تداوم فعالیت و (۱۹) اشتباه در به کارگیری استانداردهای حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی، ارائه یا افشا.</p> <p>چنانچه هر یک از این علائم در بندهای تعدیلی گزارش‌های حسابرسی سالانه شرکت‌ها وجود داشته باشد، مقدار آن برابر با یک و نشان دهنده احتمال وقوع گزارشگری متقلبانه و در غیر این صورت مقدار آن عدد صفر خواهد بود.</p>
۲	انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (پاداش مدیرعامل)	CEORP	مستقل	نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام اگر نسبت پاداش مدیرعامل بر سود سالانه شرکت بیش از میانگین کل شرکت‌ها در سال مورد بررسی باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.
۳	انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (سهام مدیرعامل)	CEOown	مستقل	نسبت سهام تحت تملک مدیرعامل به کل سهام شرکت اگر نسبت نسبت سهام تحت تملک مدیرعامل به کل سهام شرکت بیش از میانگین کل شرکت‌ها در سال مورد بررسی باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.
۴	وجه نقد	FreeCash	کنترلی	لگاریتم طبیعی وجه نقد شرکت
۵	اهرم مالی	Leverage	کنترلی	نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها
۶	ارزش بازار	MarketValue	کنترلی	لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام
۷	ارزش دفتری به ارزش بازار	BookMarket	کنترلی	نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار سهام

ردیف	نام متغیر	نماد متغیر	نوع متغیر	نحوه محاسبه متغیر
۸	درصد سود هر سهام	EPS	کنترلی	درصد نسبت سود خالص هر سهم به تعداد سهام در پایان سال
۹	بازده کل دارایی‌ها	ROA	کنترلی	نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها
۱۰	رشد فروش	SaleGrowth	کنترلی	نسبت فروش امسال منهای فروش سال قبل بر فروش سال قبل
۱۱	سن شرکت	Age	کنترلی	لگاریتم طبیعی اختلاف سال مورد بررسی با سال تأسیس شرکت
۱۲	دوره تصدی مدیرعامل	CEOTenure	کنترلی	لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که مدیرعامل در این پُست مشغول به فعالیت بوده است.

۵. یافته‌های پژوهش

۱.۵. آمار توصیفی

در این قسمت، شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و نحوه توزیع متغیرهای پژوهش را ارائه می‌کنیم:

جدول ۲. شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و نحوه توزیع متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
وجه نقد	FreeCash	۱۰/۸۰	۱۰/۵۷	۱۶/۷۱	۵/۹۰	۱/۷۴	۰/۳۷	۳/۰۹
اهرم مالی	Leverage	۰/۵۷	۰/۶۰	۰/۹۹	۰/۰۳	۰/۲۰	-۰/۴۹	۲/۶۸
ارزش بازار	MarketValue	۱۳/۸۵	۱۳/۷۱	۲۰/۳۵	۹/۴۴	۱/۶۱	۰/۶۱	۳/۸۸
ارزش دفتری به ارزش بازار	BookMarket	۰/۶۹	۰/۶۱	۱/۹۹	-۰/۹۲	۰/۴۶	۰/۲۷	۴/۱۰
سود هر سهام	EPS	۰/۲۰	۰/۱۷	۰/۹۹	-۰/۹۶	۰/۳۱	۰/۴۲	۴/۷۹
بازده کل دارایی‌ها	ROA	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۵۶	-۰/۴۲	۰/۱۴	۰/۱۰	۴/۰۷
رشد فروش	SaleGrowth	۰/۱۷	۰/۱۶	۰/۹۹	-۰/۹۳	۰/۳۲	-۰/۱۳	۳/۴۴
سن شرکت	Age	۳/۶۲	۳/۷۱	۴/۱۷	۲/۴۸	۰/۳۶	-۰/۶۵	۲/۵۵
دوره تصدی مدیرعامل	CEOTenure	۰/۷۴	۰/۶۹	۲/۳۰	۰/۰۰	۰/۶۸	۰/۳۵	۱/۹۲

شاخص‌های مرکزی بیان شده، میانگین، میانه، حداکثر و حداقل می‌باشند که از بین آنها، میانگین مهم‌ترین محسوب می‌شود. میانگین شاخص مناسبی برای نمایش مرکزیت داده‌ها است و متوسط داده‌ها را نشان می‌دهد.

همچنین از بین متغیرهای مجازی پژوهش، ۳۷۴ شرکت دارای تقلب در گزارشگری مالی می‌باشند و ۴۴۶ شرکت نیز دارای تقلب در گزارشگری مالی نمی‌باشند. ۲۷۶ مدیرعامل دارای پاداشی بیش از میانگین کل شرکت‌ها داشته و ۵۴۴ مدیرعامل پاداشی کمتر از میانگین کل شرکت‌ها داشتند. ۲۵۳ مدیرعامل دارای سهامی بیش از میانگین کل شرکت‌ها و ۵۶۷ مدیرعامل دارای سهامی کمتر از میانگین کل شرکت‌ها دارند.

۲.۵. آزمون فرضیه‌های پژوهش

۱.۲.۵. آزمون فرضیه اول پژوهش

سؤال پژوهش: آیا انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) تأثیر معناداری بر تقلب در گزارشگری مالی دارد؟

فرضیه آماری این موضوع به صورت زیر بیان می‌شود:

H₀: انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) تأثیر معناداری بر تقلب در گزارشگری مالی ندارد.

H₁: انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) تأثیر معناداری بر تقلب در گزارشگری مالی دارد.

جدول ۳. آزمون فرضیه اول

متغیرهای توضیحی	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	سطح معناداری آماره Z
C	-۵/۰۶	۱/۱۴	-۴/۴۲	۰/۰۰۰۰
CEORP	-۰/۲۹	۰/۱۶	-۱/۷۵	۰/۰۷۹۵
FreeCash	۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۲۰	۰/۸۳۶۵
Leverage	-۰/۹۲	۰/۴۶	-۲/۰۰۳	۰/۰۴۵۲
Market Value	۰/۱۷	۰/۰۸	۲/۰۵	۰/۰۴۰۱
BookMarket	۰/۷۵	۰/۲۰	۳/۷۵	۰/۰۰۰۲
EPS	-۰/۳۸	۰/۳۰	-۱/۲۷	۰/۲۰۳۰
ROA	-۴/۸۳	۰/۸۲	-۵/۸۸	۰/۰۰۰۰
SaleGrowth	-۰/۱۴	۰/۲۵	-۰/۵۸	۰/۵۶۰۷
Age	۰/۸۹	۰/۲۲	۴/۰۸	۰/۰۰۰۰
CEOTenure	-۰/۲۶	۰/۱۱	-۲/۳۰	۰/۰۲۱۳
ضریب مک فادن		۰/۳۱		
آماره LR	۱۲۵/۶۴	سطح معناداری LR		۰/۰۰۰۰
آماره هاسمر - لمشو	۷/۸۴	سطح معناداری آماره هاسمر - لمشو		۰/۴۴۸۸
آماره آندروز	۸/۶۰	سطح معناداری آماره آندروز		۰/۵۶۹۷

آماره Z: سطح معناداری آماره Z برای متغیر مستقل (انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام)) در مدل برابر با ۰/۰۷ است و با توجه به اینکه این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا با سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه بین متغیر مستقل (انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام)) و متغیر وابسته (تقلب در گزارشگری مالی) معنادار نیست. با توجه به ضریب متغیر مستقل (انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام)) که منفی است در نتیجه می‌توان بیان کرد که ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته معکوس است. در نهایت می‌توان بیان نمود که انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) تأثیر معکوس بر تقلب در گزارشگری مالی دارد ولی این ارتباط از لحاظ آماری معنادار نیست و فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. نتیجه این فرضیه با پژوهش چن و همکاران (۲۰۲۰) هم‌راستا نمی‌باشد.

همچنین احتمال آماره Z برای متغیرهای کنترلی اهرم مالی، ارزش بازار، ارزش دفتری به ارزش بازار، بازده کل دارایی‌ها، سن شرکت و دوه تصدی مدیرعامل کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا در سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت بین متغیرهای کنترلی (اهرم مالی، ارزش بازار، ارزش دفتری به ارزش بازار، بازده کل دارایی‌ها، سن شرکت و دوه تصدی مدیرعامل) با متغیر وابسته (تقلب در گزارشگری مالی) ارتباط معناداری وجود دارد در حالیکه احتمال آماره Z برای متغیرهای کنترلی وجه نقد، سود هر سهم و رشد فروش بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. لذا در سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت بین متغیر کنترلی (وجه نقد، سود هر سهم و رشد فروش) با متغیر وابسته (تقلب در گزارشگری مالی) ارتباط معناداری وجود ندارد.

ضریب مک‌فادن: ضریب مک‌فادن ارتباط بین متغیرهای وابسته و مستقل را نشان می‌دهد. ضریب مک‌فادن برای مدل اول برابر با ۰/۳۱ است و این نشان دهنده آن است که ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تقلب در گزارشگری مالی) توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل توضیح داده می‌شود.

آماره LR: برای مشخص ساختن و قابل فهم بودن ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته و وجود رابطه خطی بین این متغیرها و برای پذیرش فرض معناداری کل مدل از آماره LR (تحلیل واریانس) استفاده می‌شود. با نتایج جدول فوق، مقدار آماره LR حاکی از اعتبار بالای مدل می‌باشد. سطح معناداری ۰/۰۰ می‌باشد که از ۰/۰۵ کمتر است نشان دهنده معنادار بودن این آزمون می‌باشد. به‌طور کلی می‌توان بیان کرد رابطه خطی معناداری بین متغیرهای مستقل و کنترلی با متغیر وابسته وجود دارد.

آماره هاسمر-لمشو و آماره آندروز: این دو آماره برای قدرت توضیح‌دهندگی مدل لجستیک (نیکویی برازش مدل لجستیک) قابل استفاده هستند. با توجه به جدول فوق سطح معناداری این دو آماره از ۰/۰۵ بیشتر است لذا برازش مدل لجستیک تأیید می‌شود.

۲,۲,۵. آزمون فرضیه دوم پژوهش

سؤال پژوهش: آیا انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت) تأثیر معناداری بر تقلب در گزارشگری مالی دارد؟
فرضیه آماری این موضوع به صورت زیر بیان می‌شود:

H₀: انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت) تأثیر معناداری بر تقلب در گزارشگری مالی ندارد.

H₁: انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت) تأثیر معناداری بر تقلب در گزارشگری مالی دارد.

جدول ۴. آزمون فرضیه دوم

متغیرهای توضیحی	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	سطح معناداری آماره Z
C	-۵/۰۶	۱/۱۵	-۴/۳۸	۰/۰۰۰۰
CEOOWN	-۰/۵۴	۰/۱۷	-۳/۱۸	۰/۰۰۱۴
FreeCash	۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۱۸	۰/۸۵۵۳
Leverage	-۰/۶۵	۰/۴۶	-۱/۳۹	۰/۱۶۲۷
MarketValue	۰/۱۸	۰/۰۸	۲/۲۰	۰/۰۲۷۳
BookMarket	۰/۷۴	۰/۲۰	۳/۶۷	۰/۰۰۰۲
EPS	-۰/۴۱	۰/۳۰	-۱/۳۹	۰/۱۶۴۲
ROA	-۴/۸۳	۰/۸۱	-۵/۹۳	۰/۰۰۰۰
SaleGrowth	-۰/۱۲	۰/۲۵	-۰/۴۷	۰/۶۳۱۸
Age	۰/۸۴	۰/۲۲	۳/۸۱	۰/۰۰۰۱
CEOTenure	-۰/۳۱	۰/۱۱	-۲/۸۰	۰/۰۰۵۱
ضریب مک فادن		۰/۳۱		
آماره LR	۱۳۲/۹۱	سطح معناداری LR		۰/۰۰۰۰
آماره هاسمر - لمشو	۸/۰۴	سطح معناداری آماره هاسمر - لمشو		۰/۴۲۹۴
آماره آندروز	۱۳/۷۱	سطح معناداری آماره آندروز		۰/۱۸۶۴

آماره Z: سطح معناداری آماره‌ی Z برای متغیر مستقل (انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت)) در مدل برابر با ۰/۰۰ است و با توجه به اینکه این مقدار کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا با سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه بین متغیر مستقل (انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت)) و متغیر وابسته (تقلب در گزارشگری مالی) معنادار است. با توجه به ضریب متغیر مستقل (انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت)) که منفی است در نتیجه می‌توان بیان کرد که ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته معکوس است. در نهایت می‌توان بیان نمود که انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت) تأثیر معکوس بر تقلب در گزارشگری مالی دارد و این ارتباط از لحاظ آماری معنادار است و فرضیه دوم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتیجه این فرضیه با پژوهش چن و همکاران (۲۰۲۰) هم‌راستا می‌باشد.

همچنین احتمال آماره Z برای متغیرهای کنترلی ارزش بازار، ارزش دفتری به ارزش بازار، بازده کل دارایی‌ها، سن شرکت و دوره تصدی مدیرعامل کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت بین متغیرهای کنترلی (ارزش بازار، ارزش دفتری به ارزش بازار، بازده کل دارایی‌ها، سن شرکت و دوره تصدی مدیرعامل) با متغیر وابسته (تقلب در گزارشگری مالی) ارتباط معناداری وجود دارد. در حالیکه احتمال آماره Z برای متغیرهای کنترلی اهرم مالی، وجه نقد، سود هر سهم و رشد فروش بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت بین متغیر کنترلی (اهرم مالی، وجه نقد، سود هر سهم و رشد فروش) با متغیر وابسته (تقلب در گزارشگری مالی) ارتباط معناداری وجود ندارد.

ضریب مک‌فادن: ضریب مک‌فادن برای مدل دوم برابر با ۰/۳۱ است و این نشان دهنده آن است که ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تقلب در گزارشگری مالی) توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل توضیح داده می‌شود.

آماره LR: سطح معناداری آماره LR ۰/۰۰ می‌باشد که از ۰/۰۵ کمتر است نشان دهنده معنادار بودن این آزمون می‌باشد. **آماره هاسمر-لمشو و آماره آندروز:** این دو آماره برای قدرت توضیح‌دهندگی مدل لجستیک (نیکویی برازش مدل لجستیک) قابل استفاده هستند. با توجه به جدول فوق سطح معناداری این دو آماره از ۰/۰۵ بیشتر است لذا برازش مدل لجستیک تأیید می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

اولین فرضیه بیان‌کننده تأثیر انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) بر تقلب در گزارشگری مالی است. بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه، با سطح خطای ۵٪ این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفت و انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت پاداش مدیرعامل به سود سالانه سهام) تأثیر معکوسی بر تقلب در گزارشگری مالی دارند ولی این ارتباط از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. با توجه به اینکه مشوق‌های زیادی برای مدیران می‌توان در نظر گرفت که هر یک از آنها ممکن است ارزش متفاوتی نسبت به یکدیگر داشته باشند، و همچنین به دلیل دیدگاه بلندمدت مدیران برای دریافت پاداش و مشوق، می‌توان بیان داشت که پاداش‌های نقدی که سالانه به آنها پرداخت می‌گردد از نظر آنها مشوق محسوب نمی‌شود و تأثیری بر تصمیم‌گیری‌های آنها و یا کاهش تقلب در گزارش‌های مالی ندارد، در حالیکه مدیران با دریافت مشوق‌های بلندمدت همچون دریافت درصدی از سهام شرکت، بیشتر برمی‌انگیزند و سهام شرکت را یک پاداش بلندمدت در نظر می‌گیرند و به همین دلیل این گونه از مشوق‌ها بر نظرات، تصمیم‌گیری‌ها و کاهش تقلب‌های آنها تأثیرگذار خواهد بود. از طرفی دیگر در برخی از مواقع، تقلب‌هایی که در گزارش‌های مالی صورت می‌پذیرد نشأت گرفته از اخبار بد منتشر شده نمی‌باشد بلکه دلایلی همچون استانداردهای حسابداری و نحوه به کارگیری آنها می‌باشد که منجر به تقلب می‌گردد که در این صورت عملاً انگیزه مشوق‌های پرداختی مدیرعامل همچون پرداخت پاداش به کارکنان نمی‌تواند بر کاهش و یا جلوگیری از آن تأثیری نخواهد داشت.

دومین فرضیه بیان‌کننده تأثیر انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت) بر تقلب در گزارشگری مالی است. بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه، با سطح خطای ۵٪ این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت و انگیزه مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام

شرکت) تأثیر معکوسی بر تقلب در گزارشگری مالی دارند و همچنین این ارتباط از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. لذا استنباط می‌شود هنگامی که مدیران تعداد زیادی از سهام شرکت را داشته باشند، جایگاه مدیرعامل در آن شرکت تثبیت شده و به دلیل افزایش سود و ارتقای ارزش شرکت، مدیران کمتر به تقلب در گزارش‌ها می‌پردازند و همچنین به دلیل اینکه مشوقی همچون سهام شرکت به مدیران آنها را بیشتر از مشوقی همچون سود سالانه برمی‌انگیزاند تا تقلب در گزارش‌ها را کاهش دهند و می‌توان گفت از دید مدیران، سهام شرکت به عنوان یک پاداش دائمی شناخته می‌شود که با نگهداری آن توسط مدیران، سالانه بر ارزش آن افزوده می‌شود در حالیکه پاداش نقدی ارزش طولانی مدت نداشته و مدیران توجه زیادی به آن نمی‌کنند و مشوق مناسبی برای کاهش تقلب‌های مدیران شناخته نمی‌شود.

۱,۶. پیشنهادهای پژوهش

با توجه به اینکه بین مشوق‌های پرداختی بر اساس عملکرد مدیرعامل (نسبت سهام مدیرعامل به کل سهام شرکت) با تقلب در گزارش‌های مالی ارتباط معکوس وجود دارد لذا به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که مدیرعاملان دارای درصد بالایی از سهام شرکت می‌باشند زیرا در این گونه از شرکت‌ها عملکرد مدیرعامل‌ها منجر به کم شدن تقلب در صورت‌های مالی شده که به دنبال آن عدم تقارن اطلاعاتی کاهش یافته و ارزش شرکت افزایش می‌یابد. همچنین با توجه به اینکه تعدادی از مواردی که منجر به تقلب در گزارش‌های مالی می‌شود، ناشی از به‌کارگیری یک سری از استانداردهای حسابداری می‌باشد که سود را مستقل از اخبار اقتصادی جاری کاهش می‌دهند و مدیران و مشوق‌های آنها بر این گونه از تقلب‌ها تأثیری نخواهد داشت لذا به مدیران ارشد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد با اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه، منجر به افزایش کیفیت اطلاعات مالی و کاهش ریسک اطلاعاتی شرکت و همچنین کاهش تقلب در گزارش‌های مالی گردند.

۲,۶. پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

پیشنهاد می‌گردد نقش تعدیلگر ساختار مالکیت (مالکیت دولتی، مالکیت مدیریتی، مالکیت سهامداران عمده و مالکیت نهادی) بر ارتباط بین انگیزه‌های عملکردی مدیرعامل و تقلب در گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهاد می‌گردد نقش تعدیلگر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین انگیزه‌های عملکردی مدیرعامل و تقلب در گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهاد می‌گردد تأثیر انگیزه‌های عملکردی مدیرعامل بر کیفیت گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهاد می‌گردد تأثیر خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیرعامل بر تقلب در گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گیرد.

References

- Ben Ali, C., & Lesage, C. (2012). Audit Pricing and Nature of Controlling Shareholder: Evidence from France. *China Journal of Accounting Research*, 6(1), 21-34.
- Chen, J., Ding, Y., Lesage, C., & Stolowy, H. (2010). Corporate Fraud and Managers Behavior: Evidence from the Press. *Journal of Business Ethics*, 95, 271-315.

- Cheng, J., Cummins, J.D., & Lin, T. (2017). Organizational Form, Ownership Structure, and CEO Turnover: Evidence from the Property-Casualty Insurance Industry. *Journal of Risk and Insurance*, 84(1), 95-126.
- Hahizadeh, M., & Alinezhad Saro Kalaei, M. (2020). The Impact of Board Characteristics on Internal Control Weaknesses and Fraud in Financial Statements Based on Fraudulent Management Motivation Criteria. 6th National Conference on New Studies in the Field of Humanities, Economics and Accounting in Iran, Iran, Tehran. (in Persian).
- Hejazi, R., & Mokhtarinezhad, H. R. (2016). The relationship between corporate governance structure and the possibility of fraudulent financial reporting. *Quarterly Journal of Value and Behavioral Accounting*, 2(3), 33-63. (in Persian).
- Luo, J., Peng, C., & Zhang, X. (2020). The Impact of CFO Gender on Corporate Fraud: Evidence from China. *Pacific Basin Finance Journal*, 63, 101-114.
- Naseem, M. A., Lin, J., Rehman, R., Ahmad, M. I., & Ali, R. (2019). Does capital structure mediate the link between CEO characteristics and firm performance? *Management Decision*.
- Rahnamaye Roodposhti, F., Nikoomaram, H., & Shahverdiyani, Sh. (2010). Strategic financial management of "value creation". Hakam Bashi Publications, Tehran, 1. (in Persian).
- Rezaei, M., Nazemi Ardakani, M., & SadrAbadi, A. R. (2018). Detection of financial statement fraud according to the audit report of the financial statements. *Management Accounting*, 13(45), 141-153. (in Persian).
- Subair, M. L., Salmon, R. T., Abolarin, A. F., Abdullah, A. T., & Othman. A. S. (2020). Board Characteristics and the Likelihood of Financial Statement Fraud. *Copernican Journal of Financial & Accounting*, 9(1).